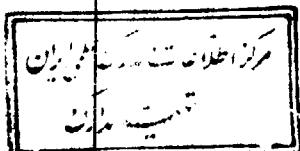


## دانشگاه تهران



مجتمع آموزش عالی قم

«پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی»

## خسارت معنوی

## در حقوق ایران و اسلام

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر نجاد علی الماسی

استاد مشاور:

جناب آقای سید علی علوی

۱۷۵۴۲

نگارنده:

شیر تو پا ابراهیمی

سال تحصیلی: ۱۳۷۷-۱۳۷۸

۳۰/۲۴

## « فهرست »

- ۱ ..... پیش درآمد
- ۱ - گشایش ..... ۱
- ۲ - سرگذشت خسارت معنوی ..... ۳
- الف - روند کلی ..... ۳
- ب - قانونهای ایران ..... ۴
- ۳ - انگیزه‌های این پژوهش ..... ۵
- الف - انگیزه فلسفی ..... ۵
- ب - انگیزه روان شناختی ..... ۷
- پ - انگیزه اجتماعی ..... ۸
- ت - انگیزه حقوقی ..... ۸
- ۴ - شالوده این پژوهش ..... ۱۰
- بهره نخست - خسارت معنوی در حقوق ایران ..... ۱۲
- بخش یک - شناخت (ارکان) خسارت معنوی ..... ۱۲
- جستار یک - چیستی خسارت معنوی ..... ۱۲
- جستارگشایی ..... ۱۲
- گفتار یکم - معنای واژه شناختی خسارت معنوی ..... ۱۲

۳۰۱۲۴

الف

۱۲	درآمد
۱۳	۱- واژه «خسارت»
۱۳	الف - معنای گونه‌گون
۱۴	ب - گمان ریشه‌ی پاریسی
۱۴	پ - مفهوم دوگانه
۱۵	۲- واژه «معنوی»
۱۶	گفتار دوم - تعریف و گونه‌های خسارت معنوی
۱۶	درآمد
۱۶	۱- تعریف‌های حقوق‌دانان ایرانی
۲۰	۲- تعریف‌های حقوق‌دانان نیرانی
۲۲	۳- نتیجه‌گیری
۲۵	جستار دو - هستی خسارت معنوی
۲۵	جستارگشایی
۲۶	گفتار یکم - شرایط وجودی زیان معنوی
۲۶	درآمد
۲۶	۱- شرط بیرونی
۲۷	۲- شرط درونی
۲۹	گفتار دوم - قلمرو وجودی زیان معنوی
۲۹	درآمد
۲۹	۱- حقوق ایران
۳۳	۲- حقوق فرانسه
۳۵	۳- نتیجه‌گیری
۳۶	برآیند بخش

۳۷	بخش دو - جبران (آثار) خسارت معنوی
۳۷	حستار یک - جبران شناسی خسارت معنوی
۳۷	جستارگشایی
۳۸	گفتار یکم - بنیادهای نظری جبران خسارت معنوی
۳۸	درآمد
۳۸	۱- اندیشه‌های حقوقی
۳۸	الف - جبران ستیزان
۴۰	ب - جبران‌گرایان مطلق
۴۴	پ - جبران‌گرایان مقید
۴۷	۲- نگرش حقوق کنونی ایران
۴۷	الف - قانونها
۴۸	یکم - قانون اساسی
۵۰	دوم - قانون مجازات اسلامی
۵۳	سوم - قانون آیین دادرسی کیفری
۵۴	چهارم - قانون مسؤولیت مدنی
۵۵	ب - دادگاهها
۵۶	یکم - رویه قضایی دیرین
۵۷	دوم - رویه قضایی کنونی
۶۰	گفتار دوم - شیوه‌های عملی جبران خسارت معنوی
۶۰	درآمد
۶۰	۱- شیوه ارزیابی خسارت معنوی
۶۰	الف - بنیادهای ارزیابی

- ب - راهکارهای ارزیابی ..... ۶۴
- ۲- راههای چارگانه جبران خسارت معنوی ..... ۶۵
- الف - پول ..... ۶۶
- ب - الزام به عذرخواهی ..... ۶۶
- پ - درج حکم در جراید ..... ۶۷
- ت - جبران نمادین ..... ۶۸
- جستار دو - جبرانخواهی خسارت معنوی ..... ۶۹
- جستارگشایی ..... ۶۹
- گفتار یکم - خواهانهای دعوای خسارت معنوی ..... ۶۹
- درآمد ..... ۶۹
- ۱- تاوانخواهان حقیقی ..... ۶۹
- الف - محدودیت (کرانندی) ..... ۶۹
- ب - اهلیت ..... ۷۰
- ۲- تاوانخواهان حقوقی ..... ۷۱
- الف - اشخاص حقوقی خصوصی ..... ۷۱
- ب - اشخاص حقوقی عمومی ..... ۷۳
- پ - دعوای خسارت جمعی ..... ۷۵
- گفتار دوم - نقل و انتقال دعوای خسارت معنوی ..... ۷۹
- درآمد ..... ۷۹
- ۱- نقل تاوانخواهی معنوی ..... ۷۹
- الف - منتقل الیه ..... ۸۰
- ب - قائم مقام قانونی ..... ۸۰

۸۲	انتقال تاوانخواهی معنوی.....
۸۳	الف - زیان پیش از مرگ .....
۸۳	ب - انتقال ناپذیری مطلق .....
۸۳	دوم، انتقال پذیری مشروط .....
۸۴	سوم، انتقال پذیری مطلق .....
۸۹	پ - زیان پس از مرگ .....
۹۲	بهره دوم - خسارت معنوی در حقوق اسلام .....
۹۲	گشایش .....
۹۳	بخش یک - بنیادهای جبران خسارت معنوی در حقوق اسلام .....
۹۳	جستار یک - قاعده لاضرر .....
۹۳	جستار گشایی .....
۹۳	گفتار یکم - مستندات قاعده لاضرر .....
۹۳	درآمد .....
۹۴	۱- قرآن .....
۹۴	الف - بقره، ۲۳۳ .....
۹۵	ب - طلاق، ۶ .....
۹۵	پ - بقره، ۲۳۱ .....
۹۶	ت - نسا، ۱۲ .....
۹۸	ث - بقره، ۲۸۲ .....
۹۸	ج - مفهوم واژه‌های ضرر و خسارت در قرآن .....
۱۰۰	۲- سنت .....

- الف - روایت سمره ..... ۱۰۱
- ب - روایت شفعه ..... ۱۰۳
- پ - روایت دیوار ..... ۱۰۵
- ت - روایت شتر ..... ۱۰۵
- ث - روایت همسایه ..... ۱۰۶
- ۳- عقل ..... ۱۰۷
- الف - ازدیدگاه اصولی ..... ۱۰۷
- ب - از دیدگاه عرفانی ..... ۱۰۹
- پ - برآیند خرد ..... ۱۱۰
- ۴- اجماع ..... ۱۱۲
- گفتار دوم - دلالت قاعده لاضرر ..... ۱۱۳
- درآمد ..... ۱۱۳
- ۱- مفهوم واژگان ضرر و ضرار ..... ۱۱۴
- الف - مفهوم ضرر ..... ۱۱۴
- ب - مفهوم ضرار در پیوند با ضرر ..... ۱۱۸
- ۲- دلالت حقوقی قاعده لاضرر (معنای «لا») ..... ۱۲۱
- الف - نفی به معنای نهی ..... ۱۲۱
- ب - نفی ضرر غیر متدارک ..... ۱۲۳
- پ - نفی حکم ضرری ..... ۱۲۶
- ت - نفی حکم به زبان نفی موضوع ..... ۱۲۷
- ۳- قلمرو قاعده لاضرر ..... ۱۲۹
- الف - نفی یا اثبات حکم ..... ۱۲۹

- ب - حکومت قاعده لاضرر بر دلیلهای دیگر ..... ۱۳۵
- پ - تعارض قاعده لاضرر با قاعده تسلیط ..... ۱۳۶
- جستار دو - قاعده اتلاف ..... ۱۳۸
- جستارگشایی ..... ۱۳۸
- گفتار یکم - مستندات قاعده اتلاف ..... ۱۳۸
- درآمد ..... ۱۳۸
- ۱- کتاب ..... ۱۳۹
- ۲- سنت ..... ۱۳۹
- ۳- عقل ..... ۱۴۰
- ۴- اجماع ..... ۱۴۰
- گفتار دوم - دلالت قاعده اتلاف ..... ۱۴۰
- درآمد ..... ۱۴۰
- ۱- از دیدگاه جامعه شناسی واژگان ..... ۱۴۱
- ۲- از دیدگاه فلسفه دین ..... ۱۴۱
- ۳- از دیدگاه حقوقی ..... ۱۴۳
- جستار سه - قاعده لاجرح ..... ۱۴۴
- جستارگشایی ..... ۱۴۴
- گفتار یکم - مفهوم قاعده لاجرح ..... ۱۴۶
- درآمد ..... ۱۴۶
- ۱- معنی لغوی ..... ۱۴۶
- ۲- تعریف و دلالت ..... ۱۴۶



۱۴۷	گفتار دوم - سند قاعده لاجرح
۱۴۷	درآمد
۱۴۷	۱- کتاب
۱۴۸	۲- سنت
۱۴۸	گفتار سوم - قلمرو قاعده لاجرح
۱۴۸	درآمد
۱۴۸	۱- تعارض قاعده لاجرح با دلیلهای احکام
۱۴۹	۲- تعارض قاعده لاجرح با دلیل لاضرر
۱۴۹	جستار چهار: قاعده غرور
۱۴۹	جستارگشایی
۱۴۹	گفتار یکم - شناخت قاعده غرور
۱۵۰	درآمد
۱۵۰	۱- تعریف
۱۵۰	۲- سند و دلالت
۱۵۰	گفتار دوم - کاربرد قاعده غرور در خسارت معنوی
۱۵۰	درآمد
۱۵۰	۱- تدلیس در نکاح
۱۵۱	۲- وکالت در نکاح
۱۵۲	برآیند بخش
۱۵۳	بخش دو - شیوه‌های جبران خسارت معنوی در حقوق اسلام
۱۵۳	جستار یک - جبران حقوقی

۱۵۳	جستار گشایی
۱۵۳	گفتار یکم - چگونگی جبران در قاعده‌ی لاضرر و دانستان سمره
۱۵۳	درآمد
۱۵۵	گفتار دوم - راههای جبران زیان در قاعده‌ی لاضرر
۱۵۵	درآمد
۱۵۷	جستار دو - جبران کیفی
۱۵۷	جستار گشایی
۱۵۸	گفتار یکم - دیه
۱۵۸	درآمد
۱۵۸	۱- چیستی حقوقی دیه
۱۵۸	الف - چیستی جزایی یا جبرانی؟
۱۶۲	ب - چیستی جبرانی معنوی
۱۶۵	۲- خسارت افزون بر دیه
۱۶۸	۳- پیوند دیه با بی‌بهرگی (عدم‌النفع) جسمی
۱۷۲	۴- سنجۀ ارزیابی دیه
۱۷۳	۵- برآیند گفتار دیه
۱۷۴	گفتار دوم - قصاص
۱۷۴	درآمد
۱۷۵	۱- ریشه‌ی قرآنی قصاص
۱۷۷	۲- چیستی حقوق قصاص
۱۷۹	گفتار سوم - حد
۱۷۹	درآمد

## خ

۱۸۰	گفتار چهارم - تعزیر
۱۸۰	درآمد
۱۸۲	برآیند جستار
۱۸۳	جستار سه - مصداقهای پراکنده
۱۸۳	جستارگشایی
۱۸۳	گفتار یکم - مصداقهای حقوقی
۱۸۳	درآمد
۱۸۳	۱- جبران خطای قاضی
۱۸۵	۲- نکاح فضولی
۱۸۵	گفتار دوم - مصداقهای کیفری
۱۸۵	درآمد
۱۸۵	۱- زنای به عنف
۱۸۷	۲- اکراه معنوی
۱۹۰	نتیجه گیری
۱۹۵	کتابنامه

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«آنها که دانستند چه بیگناه در این دوزخ بی عدالت سوخته‌ام.

در شماره .

از گناهان تو کمترند!»<sup>(۱)</sup>

### پیش درآمد

۱- گشایش: هر جا که سخن از آزادی می‌رود، بیدرنگ، پروای مرز و اندازه آن نیز از پرده پندار برون می‌تازد؛ پنداری، سرشت سپند انسانی، بی‌وسه، پاسبان داد پیشه «مسئولیت» را پهلونشین دلبر ناز آلود «آزادی» می‌پسندد. از سویی، نهاد آدمی که بر دمیده روح اهورایی است، به نام والاتر آفریدگان. سبکبال و آزادوار، پرگشایی بر فراز خواستها و خواسته‌های هستی را فرا می‌خواهد و از دیگر سو، در پی سرنوشت ناگزیر زندگی گروهی، براسپ وحشی آرزوهای دراز آهنگ آدمی. لگام آشوب‌ستیزی و قانونگرایی در می‌نشانند.

«من که ملول گشتمی از نفس فرشتگان      قال و مقال عالمی می‌کشم از برای تو»<sup>(۲)</sup>

اینجاست که نسیم دل‌انگیز عدالت اجتماعی، دریای خروشان آزادی را در ساحل آرام مسئولیت به کرانه می‌آورد تا نواهای ناهمساز آزادیهای همگان. دمساز و هم‌نوا. به آهنگی عاشقانه بسوی کمالجویی و فرازپویی روح انسانی ره‌گشاید و از کژتابی و هم‌آزاری باز آید:

«این موجها که گردن دعوی کشیده‌اند      بحر حقیقتند اگر سر فروکنند»<sup>(۳)</sup>

بر این بنیاد، همچنانکه آزادی را به حکم «ایاک نعبد»<sup>(۴)</sup> و «لَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرِكَ وَ قَدْ

۳- بیدل دهموی.

۲- حافظ شیرازی.

۱- الف. بامداد.

۲- قرآن گرامی. حمد - ۴.

جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا»<sup>(۱)</sup> در ستیز با بردگی و ستمکشی می ستاییم. عدالت را هم به پیروی از «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»<sup>(۲)</sup> و «لا ضرر ولا ضرار»<sup>(۳)</sup> در برابر بیدادگری و ستمکاری. پاس- می داریم که هر دوان، برخاسته از سرشت خداگونه آدمی و از یک تبارند؛ چندانکه می توان گفت، عدالت - که حفظ و ادای حقوق دیگران باشد - تنها کمند دلپسند آزادی است.<sup>(۴)</sup>

«به پای خویشتن آیند عاشقان به کمندت که هر که را تو بگیری. ز خویشتن برهانی»<sup>(۵)</sup> از نگاهی آرمانگرایانه بر گفته‌های فرازین چنین بر می آید که اگر انسانها همواره، دستور سرشت ایزدی و ندای نهاد همانند خویش را که سر چشمه آزادی. دادگری و همه حقیقتهاست، فراگوش دارند، ستیز دیرینه سال آزادی و مسؤولیت به آشتی و آرامش خواهد- گرایید؛ که همانا دین نیز چیزی جز فطرت الاهی انسان نیست: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»<sup>(۶)</sup>؛ هم از اینروست که در نامه ورجاوند اسلام، قرآن گرامی، واژه «دین». هیچگاه بر گونه جمع (ادیان) به کار نرفته است چرا که گل همه آدمیان را به نهاد یگانه الاهی سرشته‌اند؛ «قطره بگریست که از بحر سوایم همه - بحر بر قطره بخندید که ما ییم همه»؛ اما دریغ که آدمی؛ درگیر- و دار آرزو و نیاز زندگانی، از روی «فقر و جودی»، از خویشتن خویش و از «وحدت و جود» و یگانگی یکرنگ و هماهنگ هستی، سخت پرت و بی بهره افتاده است و از اینرو بیشتر به کژی و ستمکاری گراییده تا راستی و بی آزاری؛ چندانکه تو گویی کشمکش داد و بیداد، و گرفت و گیر آزادی و مسؤولیت تا خیزش رستاخیز باز خواهد پایید و ما را ناگزیر از پژوهشهایی از این دست، خواهد داشت: «آدمی کونه در مقام خود است، «اسفل السافلین» دیو و دد است - ای پریچهر «احسن التقویم»، «احذر» از اتباع دیو رجیم!»<sup>(۷)</sup>

البته تقصیر، همواره از بدخواهی و کژآهنگی زیانرسان بر نمی آید بلکه با مفهومی

- ۱- حضرت علی (ع) (نهج البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفتم: تهران، ۱۳۷۴، نامه ۳۱، ص ۳۰۴). ۲ و ۳- حضرت محمد (ص).
- ۴- همانند همین معنا در مرزبندی آزادی در بند یکم ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، تصویبی مجمع عمومی سازمان ملل متحد آمده است. ۵- سعدی شیرازی. ۶- قرآن گرامی. روم - ۳۰.
- ۷- سعدی شیرازی.

نوعی و اجتماعی، بی‌پروایی و سهل‌انگاری را نیز دربر می‌گیرد و گاه حتا مسؤولیتهای بی‌تقصیر نیز پدیدار می‌آید: باری، در یک سخن می‌توان گفت که بر بنیاد قاعده‌ای حقوقی و اخلاقی. هر جا که زیان و آزاری مادی یا معنوی به کسی باز رسد. به انگیزش سرشت و اخلاق و به فرمایش دین و قانون بایدش در رسید و جبران کرد: «مباش در پی آزار و هر چه خواهی کن - که در طریقت ما غیر از این گناهی نیست»<sup>(۱)</sup>.

## ۲- سرگذشت خسارت معنوی

### الف - روند کلی:

روزگارانی برآمد تا جامعه‌های بشری با شکوفایی فرهنگ و پیشرفت شهر آیینی (تمدن) و در پی آن، آسودگی نسبی از نیازهای مادی آغازی و در بایسته‌های جسمی غریزی. فرجه و فرصتی یافتند تا دامن از ظاهر گرایی و آشکاره‌بینی ساده اندیشانه خویش برچینند و با نگاهی به درونسو، خواسته‌های نهانی و بایسته‌های معنوی افراد را فرو نگرند و از پس آن با فراز آمد مفهومی نوآیین فلسفی و روان شناختی، سرانجام، خسارتهای معنوی را در جرگه نهادهای حقوقی فرو گنجانند و از این دیدگاه، آنها را جبرانپذیر خوانند.

باری، نهاد خسارت معنوی در بنیاد، نهاد دیرینه‌ای است که در حقوق رم و اسلام، پیشینه‌های پراکنده‌ای از آن پیدایی پذیر است چندانکه پذیرفتگی آن را در این ساز واره‌های حقوقی بروشنی بر می‌نماید؛ ولی می‌توان گفت که این نهاد در چهره‌ای بر نموده، پرداخته، پرورده، گسترده و قانونی، بتازگی رخ نموده است.

در حقوق نیرانی (خارجی)، در دوره کینخواهی خصوصی، پادآفره آسیبه‌های عرضی کسان، سخت‌تر از خسارتهای مادی آنان بود و حقوق رم، جبران خسارتهای معنوی را گسترده‌وار می‌پذیرفت چنانکه «ایرینگ»، دانشور آلمانی، نشان داده است که در حقوق رم «دعوی تاوانخواهی رنجتابان، آنهایی که از آرامش و آستی بی‌بهره می‌افتادند. کسانی که

۱- حافظ شیرازی.

ناورهای دینی یا آبرویشان آسیب می پذیرفت و دردمندان و زخمیان. حتا به گاه پیرجایی  
کارایشان. پذیرفته می شده است»<sup>(۱)</sup>.

در حقوق اسلام نیز که حقوق سنتی ایران باشد - چنانکه در بهره دومین این پژوهشنامه  
به گستردگی خواهیم نگریم - گذشته از دلالت عقل که از سرچشمه های شاینده حقوق  
شیعی است، فلسفه قاعده لاضرر، جبران همه زیانهای مادی و معنوی، و حتا شأن نزول حدیث  
نبوی (ص) «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ» در نکوهش و زدایش زیانرسانی معنوی بوده است. افزون بر آن،  
پیوند قاعده های اتلاف، لاجرح و جز آن و نیز نهاد دیه با جبران خسارت معنوی و نیز  
مصادقهای این جبران در حقوق اسلام. همگی نشانگر پذیرش نهاد ارجمند خسارت معنوی  
در دین بهین اسلام، پیشتر از بسیاری از ساز و آوازه های حقوقی تازه بنیاد جهان است.  
در همین رهگذر، در سده واپسین با پیشرفت پرشتاب فناوری (تکنولوژی) و پیچیدگی  
پیوندهای پر شمار اجتماعی و حقوقی. همچنانکه مفهومی فلسفی «تقدیر و تدبیر» و «جبر و  
اختیار» به حوزه حقوق راه کشید و بنیادهای مسؤلیت مدنی از نگره بنیادین تقصیر تا -  
اندازه ای به نگره های آفرینش خطر و پایندانی حق برگرایید، مفهوم زیان نیز همچون دیگر  
پدیده های حقوقی در حرکت جوهری خویش بر شاهراه تاریخ حقوق به گذرگاه تازه ای در -  
رسید و زیانهای معنوی هم با زخساره ای پررنگ و نگارتر از گذشته های دور. در کنار  
خسارتهای مادی پدیدار آمد.

## ب - قانونهای ایران :

در حقوق نوشته ایران، از همان آغاز بنیاد گذاری دادگستری، جبران زیانهای معنوی،  
فرادید قانونگذاران بوده چنانکه نخستین بار در ماده ۲۱۲ مکرر قانون مجازات عمومی

---

1- Mazeaud, Henri et Leon, Traité théorique et pratique de la responsabilité civile,  
dédicteuelle et contractuelle, T.1 Zem édition, Paris, sirey, 1934; n.298, p. 319;

، (واگوبه از: فقیه نجیری، دکتر حسن، دعوی خصوصی در دادگاه جزا، چاپ داور پناه، ۱۳۵۱. ص. ۹۱).

بیش بینی شده است. برابر این ماده «هر کس مرتکب یکی از جرمهای مذکور در مواد ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۸ مکرر و ۲۰۹ گردد، علاوه بر مجازات مقرر به تأدیه خسارت معنوی مجنی علیه که در هر حال کمتر از پانصد ریال نخواهد بود. محکوم می شود...».

پس از این، در مرحله ای دیگر م. ۴ ق. اصلاح بعضی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری، تصویبی پنجم امرداد ۱۳۳۲ به هر زیاننده ای حق تاوانخواهی معنوی ارزانی داشت: «محکوم... علیه علاوه بر خساراتی که بموجب مواد ۴۹۲ و ۴۹۳ اصول محاکمات جزایی باید بپردازد، بعنوان هزینه دادرسی نیز به مبلغی که در ماده ۲ ذکر شده. محکوم خواهد شد و بعلاوه در صورت تقاضای متضرر از جرم، دادگاه با توجه به نوع جرم و میزان آن و حیثیت طرف بعنوان خسارت معنوی پرداخت مبلغی که متناسب بداند، محکوم خواهد نمود که به مشارالیه بپردازد».

سرانجام در قانونهای کنونی ایران، پس از فسخ ماده برنگاشته. ماده ۹ قانون آ.د.ک. بروشنی جبران پذیری زیانهای معنوی را در بند دوم خود بر نهاد و پس از آن هم ق. مسؤولیت مدنی، تصویبی اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ در ماده های چندگانه خود جبران خسارتهای معنوی را به گستردگی باز پذیرفت. افزون بر اینها، اصل ۱۷۱ ق. اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز این پذیرش را استوارتر داشته است.

### ۳- انگیزه های این پژوهش

انگیزه های گونه گون فلسفی، روانی، اجتماعی و همچنین درّ بایسته های فقهی، قضایی و حقوقی، مارا به پرداخت این پژوهش برانگیخته است.

#### الف - انگیزه فلسفی:

در زمینه فلسفی، از دیدگاه عرفان ایرانی - اسلامی، آغاز و انجام فلسفه زندگی انسان در



این سرای سپنج، عشق است و بس؛ و عشق، گرایش گوهرین آدمی به نیکی ناب است.<sup>(۱)</sup> گرایشی که مایه تکامل روانی و سلوک روحانی وی از حالت غورگی به نگوری و سزاواری ربود گیش در جاذبه کمال مطلق می شود و او را به سر منزل دلارام و پرشکوه وصال جاودانه ایزدی باز می پیوندد.

«زمان زمان به جهانی رسیدن از عشقش وز آن جهان به جهانی دگر سفر کردن»<sup>(۲)</sup>

حال، گوهر همین انسانی که گلش را به آب عشق سرشته اند، روحی است اهورایی که از ناکجایی ورجاوند در کالبد خاکی تن فرو نشسته و خاستگاه ارزشهای والای ایزدی و فضیلت‌های فرازند اخلاقی است؛ چنانکه هورمزد بزرگ در قرآن گرامی به فرشتگان می فرماید: «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي ﴿فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾»<sup>(۳)</sup> «چون ساز کردمش و از روح خویش در وی فرو دمیدم، سجده کنان به پیشگاه<sup>مشن</sup>هش به خاک در شکنید!»؛ این روان آنسری و فراسویی از جایی که آمده است، هم بدانجای باز می گردد: «هر کسی کوی دورماند از اصل خویش - باز جوید روزگار وصل خویش»<sup>(۴)</sup> و از اینرو بر ماست که برای وارستگی و سبکباری آن در این بازگشت عاشقانه پرخطر، تیرگی هر گزندی را از پیرامون کوی پاسداشته دل بتارنیم و سیاهی هر آسیبی را از سرای سفید و صافی سینه بر ستریم: «بر دلم گرد ستمهاست خدایا مپسند! - که مکدر شود آیین مهر آیینم»<sup>(۵)</sup>.

هم بر این بنیاد، روان سپند (مقدس) انسان، ارزش ذاتی بیکران‌های دارد که این بیکرانگی را از پیوند با خاستگاه ازلی و ابدی جهان آفرینش وام گرفته است و به یادگار دارد. چنانکه خداوند می فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...»<sup>(۶)</sup> جوهرینگی ارج آدمی از آنجا بر- می خیزد که آفریدگار فراخ بخش در این آیه پرمايه، کرامت را پیراسته از هر قید نیک و بدی به همه فرزندان آدم (ع) ارزانی داشته و ذات مطلق آدمی را گرامی انگاشته است.

۱- چنانکه «پورسینا»ی پراج، همانند همین معنا را در «رساله عشق» باز گفته است؛ حافظ هم می فرماید: «ضفیل هستی

۲- سلمان ساروجی .

عشقند آدمی و پری - ارادتی بنما تا سعادت بیبری».

۵- حافظ .

۳- ص - ۷۲ و حجر - ۲۹ .

۴- مولوی .

۶- قرآن گرامی، روم - ۳۰ .

در جای دیگری از قرآن گرامی هم خداوند، انسان را چنان بزرگ داشته که جانشین خود در زمینش برگماشته: «یا داوود انا جعلناک خلیفة فی الارض»<sup>(۱)</sup>

«ما شیر شکاران فضای ملکوتیم. سیمرخ به دهشت نگرد در مگس ما!»

باری، ارج و ارزشی بدین بلندا و بزرگی که هرگز در کالبد تنگ گفتار فرو نمی‌گنجد. جامعه بشری را بر آن می‌دارد که با ساز و برگی توانمند به پاسداری از حریم سپند روان ورجاوند مردم، بسیج گردد که در این بسیج نیکاهنگ، حفظ کرامت و جبران گزندهای معنوی افراد انسانی، راهبردی ناگزیر است چرا که مقدمه واجب را واجب خوانده‌اند.

### ب - انگیزه روان شناختی :

از دیدگاه روان شناسی، خسارتهای معنوی، از هرگونه‌اش، اثرهایی رخنه‌گر و دیرپا بر روان انسان و در پی آن بر جامعه انسانی باز می‌نهد؛ پیامد همه پیشامدها و کردارهای آدمی در نهانخانه روح و ناخودآگاه روان وی باز می‌پاید؛ زیرا در جهان پیراسته‌ها (مجردات)، رویدادها، مانا و نامیرایند: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ - وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»<sup>(۲)</sup>.

حال، این یادمانهای روانی، اگر رنجهای انباشته، شکیهای بیرون از شمار. خشمهای فرو خورده و گزندهای بی پاسخ بوده باشد، همچون سرطانی خزننده و ناپیدا، عقده‌های روحی و افسردگیهای روانی را برای زیان‌دیده بینوا فراهم می‌کند و در پایان وی را به مُغاکِ هراسناک روانپرسی در می‌غلتاند.

فرجامی اینچنین رنجبار برای افراد جامعه، مایه کردارهای ناسازگارانه و برآشفتن آرام همگانی و نظم اجتماعی نیز می‌گردد؛ چراکه هر کردار آدمی، پژواک نهاد ناخودآگاه اوست که از دریای تب آلوده درون به کرانه ناگزیرگیتی در می‌پیچد:

دل چو آرام نباشد، ز تن آرام نخواه! باده، صاف از نبود، روشنی از جام نخواه!»<sup>۱</sup>

### پ - انگیزه اجتماعی :

از نظرگاه اجتماعی و حقوق عمومی، سوگمندان باید گفت که در جامعه ایران با بی‌پروایی به بزرگواری ذاتی و گرانمایگی گوهرین و ایزد خاسته انسانها، ارج شکنیها و خوارداشتهای بیرون از شماری بر این گرامیتر آفریدگان روا داشته شده است؛ چنانکه بی‌گزافه می‌توان گفت خسارتهای معنوی روانی و اجتماعی برخاسته از اینگونه برخوردهای غیر اسلامی، در جامعه دیرینه فرهنگ و اسلامخواه ما همچون بسیاری از جامعه‌های دیگر جهانی، بیداد می‌کند؛ از نادیده گرفتن حقهای فطری فردی و اجتماعی گرفته تا اهانت‌های بیباکانه مستقیم و غیر مستقیم به روی آوران دادگاهها و دیگر اداره‌های دولتی و حتا تطاولهای گهگاهی برخی از مأموران انتظامی و غیر انتظامی به مردم بی‌پناه و - بنابر اصل - بیگناه. از راه بازرسیهای - گاه غیر قانونی - و اهانت بار بدن و خودرو و بلکه دستگیریها و بازداشت‌های نمایشی (!) و بی‌سبب جوانان در خیابانها و موردهای فراوان دیگری که به باور ما، همه و همه از نابرداری میان مردمان و بی‌عنایتی به حقوق اساسی و اسلامی و به ارزش ذاتی و برابری بنیادین همه افراد جامعه بر می‌خیزد و امید می‌رود که با سرسپاری همگان به پیشگاه سپند قانون، این آشفتگیها به سامان آید:

«من که به بوی آرزو در چمن هوس شدم      برگ گلی نچیدم و زخمی خار و خسر شدم  
مرغ بهشت بودم و قهقهه بر فرشته زن      از پی صید پشه‌ای، همتک هر مگس شدم»

### ت - انگیزه حقوقی :

از پُرسمانهای پراکنده پژوهش برانگیز که برگذریم، از نظرگاه حقوقی، بویژه در حوزه حقوق خصوصی، به دریغی دردآلود باید گفت که با اینهمه روشکافیها و ریزسنجیهای زیانهای

۱ - سعدی نیز می‌سراید: «دل‌م شکستی و رفتی، خلاف عهد مودت - به احتیاط روا کنون، که آبگینه شکستی!».

مالی و مادی، به آزارهای روحی و معنوی، پرداخت و پروای کمتر و ستم بیشتری رفته است چنانکه می‌توان گفت بیشینه دل‌افکاران در درازنای تاریخ. پنهان در نهانخانه خستگیهای خود فرو خزیده و آهسته به سوز خاموش خویش ساخته‌اند.

نهاد خسارت معنوی در زمینه پژوهشی حقوق ایران. نهایی بویاست که پرورشها و پژوهشهای پر دامنه‌ای را فرا می‌جوید؛ چنانکه به گمانم برای نخستین بار. آقای دکتر حسن فقیه نخجیری در کتاب «دعوای خصوصی در دادگاه جزا» به سال ۱۳۵۱، پاره‌های پراکنده اما چشمگیری از کتاب خود را به بررسی خسارت معنوی بویژه در حقوق نیرانی (خارجی) ویژه داشته‌اند که در این پژوهشنامه، جای جای، از آن بهره جسته‌ایم. پس از آن: پایان‌نامه کارشناسی ارشد بانو پروین سلیمانی با عنوان «خسارت معنوی» به سال ۱۳۵۷ در دانشگاه تهران زیر نظر استاد دکتر کاتوزیان بوده است که به دریغ نه در کتابخانه دانشکده حقوق و نه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، در هیچیک یافت می‌نشود، که گویا - به گفته کتابداران - در گیرودار سال ۵۷ ناپدید آمده است!

سدیگر، پایان‌نامه جناب آقای فرهاد پروین در دوره کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس به سال ۱۳۶۷ به راهنمایی استاد دکتر مهدی شهیدی بوده است. زیر عنوان «خسارات معنوی در حقوق ایران» که بویژه کند و کاو شایسته‌ای در ریشه‌های قانونی فعلهای زیانبار معنوی گونه‌گون بر نموده‌اند.

بهر روی، هر چند «یک عمر می‌توان سخن از زلف یار گفت»<sup>(۱)</sup>، ما در این پایان‌نامه با عنوان «خسارت معنوی در حقوق ایران و اسلام» کوشیده‌ایم که زمینه‌های ناپژوهیده را بویژه در بنیادهای فقهی جبران خسارت معنوی در بهره دوم. باز پژوهیم.

در حوزه قانونی حقوق ایران - چنانکه سرگذشتش را بر رسیدیم - با اینکه هم اکنون، قانونهای اساسی، مسؤولیت مدنی، آیین دادرسی کیفری و حتی قانونهای دیگر (بگونه پراکنده و پنهان) جبران خسارتهای معنوی را پذیرفته و بر نهاده‌اند، ولی رویه قضایی کنونی ایران بر